

طلاق

مقدمه

بدون شك، قرارداد زوجیت از جمله قراردادهائی است که باید قابل جدائی باشد، چرا که گاه علی پیش می-آید که زندگی مشترک زن و مرد را با هم غیر ممکن، یا طاقت فرسا و مملو از مفاسد می کند، و اگر اصرار داشته باشیم که این قرارداد تا ابد بماند، سرچشمه مشکلات زیادی می گردد، لذا اسلام با اصل طلاق موافقت کرده است، و هم اکنون نتیجه ممنوع بودن کامل طلاق را در جوامع مسیحی، ملاحظه می کنیم که چگونه زنان و مردان زیادی هستند که به حکم قانون تحریف یافته مذهب مسیح (علیه السلام) طلاق را ممنوع می شمردند و قانوناً همسر یکدیگرند، ولی در عمل جدا از یکدیگر زندگی کرده، و حتی هر کدام برای خود همسری غیر رسمی انتخاب کرده اند! بنابراین اصل مساله طلاق یک ضرورت است، اما ضرورتی که باید به حداقل ممکن تقلیل یابد، و تا آنجا که راهی برای ادامه زوجیت است کسی سراغ آن نرود. به همین دلیل در روایات اسلامی، شدیداً از طلاق مذمت گردیده، و به عنوان مغبوضترین حلالها، از آن یاد شده است.

معانی لغوی و اصطلاحی طلاق

طلاق در لغت به معنای رهایی، ترک کردن و آزاد کردن است. در واقع وقتی مردی همسرش را طلاق می دهد او را ترک نموده و رها می سازد. طلاق در حقوق عبارت است از انحلال عقد نکاح دائم با رعایت تشریفات ویژه، در زبان فارسی برای طلاق لغات هشتن و گسیل کردن هم استفاده می شده و در گذشته طلاق نامه را هشته نامه و حجت طلاق هم می گفتند.

مواد قانونی خاص طلاق

مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی: ایران که بر مبنای شرع مقدس اسلام وضع گردیده مرد هرگاه بخواهد می تواند زوجه دائمی خود را طلاق دهد. ولیکن نباید مرد هرگاه اراده نمود بتواند صیغه طلاق را جاری کند لذا مقنن در جهت تغییر اطلاق این ماده، جهت محدود کردن حقوق مرد و حفظ حقوق زنی که همسرش قصد طلاقش را دارد تشریفات خاصی را در نظر گرفته که برخی جنبه آمره دارد از جمله جاری شدن طلاق به صیغه طلاق - حضور و شهادت دو مرد عادل - حضور حکم یا داور در اختلافات خانوادگی - تلاش برای اصلاح ذات البین و ایجاد زمینه تفاهم بین زوجین و مراجعه به دادگاه خانواده حتی در صورت توافق و در واقع هدف مقنن از الزام زوجین جهت مراجعه به دادگاه جلوگیری از وقوع طلاق های بی مورد و اصلاح ذات البین است. قانون گذار جهت طلاق شرایطی برای طرفین ذکر کرده است.

ذکر این نکته لازم است که زن و مرد هنگام طلاق باید شرایطی داشته باشند:^۱

شرایط لازم در مورد شوهر:

- ۱- اهلیت: مردی که می‌خواهد زن خود را طلاق دهد باید اهلیت داشته باشد پس شوهری که به سن ۱۵ سال تمام نرسیده باشد نمی‌تواند زن خود را طلاق دهد. برای مثال اگر ازدواجی قبل از بلوغ و یا با اذن ولی انجام شود شاید از لحاظ نیروی جسمی و بدنی صغیر، صلاحیت ازدواج را داشته باشد ولیکن این مورد رشد و شعور او را برای طلاق دادن همسرش نمی‌رساند.^۲
- ۲- سلامت عقل: شوهر باید هنگام طلاق از سلامت عقل برخوردار باشد. زیرا طلاق دادن نیاز به تصمیم و اراده دارد. بنابراین مجنون و سفیه نمی‌توانند زن خود را طلاق دهند.
- ۳- اختیار و قصد: شوهری که می‌خواهد زن خود را طلاق دهد باید تصمیم جدی و قطعی داشته باشد. بنابراین اگر مردی به شوخی و یا در خواب و بیهوشی کلماتی در این مورد بگوید طلاق واقع نمی‌شود.

شرایط لازم در مورد زن:

- با توجه به اینکه طلاق یک عمل حقوقی یک جانبه است، اراده زن دخالتی در وقوع طلاق ندارد. بنابراین لازم نیست که زن اهلیت داشته باشد و مرد می‌تواند از دادگاه اجازه بگیرد زن صغیر یا مجنون خود را طلاق دهد.
- قانون مدنی برای زن و مرد دو شرط معین کرده است:^۳
- ۱- پاکیزگی زن - ۲- جدایی جنسی زن و مرد.
- پاکیزگی زن: هدف از این شرط این است که وضعیت زن به گونه‌ای باشد که تمایل و رغبت معاشرت خصوصی بین زن و شوهر وجود داشته باشد و در واقع طلاق زمانی صورت گیرد که نشانه اختلاف عمیق بین آنان باشد.
- جدایی جنسی زن و مرد (طهر غیر موقعه) منظور از این شرط هم این است که بین زن و شوهر مقاربتی صورت نگرفته باشد. که این دو هم دو فایده دارد.
- ۱- زن و مرد قبل از طلاق مدتی از هم دور باشند و علت طلاق خشمهای زودگذر نباشد.
 - ۲- بارداری و عدم بارداری زن هم مشخص شود.

^۱ - www.irib.ir

^۲ - ماده ۱۱۳۶ ق. م.

^۳ ماده ۱۱۴۰ و ۱۱۴۲ ق م

در واقع ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی سه گروه از زنان را شامل نمی‌شود.

طلاق زن حامله: زیرا این زنان در زمان بارداری عادت زنانگی نمی‌شوند.

طلاق قبل از وقوعه: چون معاشرتی بین زن و شوهر نبوده پس فرزندی هم در این میان نیست پس ترسی از اختلاط نسل وجود ندارد و طلاق راحت‌تر صورت می‌گیرد لذا طلاق چنین زنی را در حالت عادت زنانگی و یا نفاس را مجاز می‌شمارد.

طلاق از طرف شوهری که غایب است: اگر شوهر در محل سکونت زن نباشد و غیبتش آنقدر طولانی باشد (برای مثال اگر شوهر زندانی باشد) که نتواند حساب عادت زنانگی همسرش را بداند و توان تحقیق هم نداشته باشد می‌تواند همسرش را طلاق دهد.

اقسام طلاق و موجبات آن^۴

موجبات طلاق به سه طریق است:

۱- طلاق به درخواست مرد.

۲- طلاق به درخواست زن.

۳- طلاق به توافق زوجین.

طلاق به درخواست مرد:

طبق قانون مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد بنابراین شوهر باید ابتدا به دادگاه مراجعه کند. دادگاه اختلاف را به داوری ارجاع می‌دهد و در صورتیکه با کوشش داوران سازش بین زن و شوهر برقرار نشود «گواهی عدم سازش» به شوهر داده می‌شود.^۵

گواهی عدم امکان سازش چیست؟ تصمیم دادگاه را گواهی عدم امکان سازش می‌گویند خواه به درخواست زن باشد یا شوهر، مدت اعتبار این گواهی ۳ ماه است و پس از آن نفوذ خود را از دست می‌دهد.

گواهی عدم امکان سازش با حکم متفاوت است. با ذکر مثال این تفاوت بهتر درک می‌شود اگر زنی درخواست طلاق از همسرش را به دلیل عسرو حرج (بیماری روحی و روانی) ذکر کند و این عسر و حرج از طریق دادگاه به اثبات برسد. در اینجا دادگاه شوهر را مجبور به طلاق همسرش می‌کند که در اینجا حکم صادر می‌شود نه گواهی عدم امکان سازش..

^۴ - سایت www.irib.ir
^۵ - ماده ۱۱۳۳ ق م

سوال:

۷ آیا گواهی عدم امکان سازش با صدور حکم طلاق به یک معناست؟^۶

پاسخ: با توجه به مجموع مقررات حاکم بر روابط زوجین، صدور گواهی عدم امکان سازش با صدور حکم طلاق دارای یک معنا نبوده و متفاوت از یکدیگر می باشند که دادگاه حسب مورد و نوع دعوی مطروحه از طرف هر کدام از زوجین به اتخاذ تصمیم در مورد آنها خواهد پرداخت.

طلاق به درخواست زن:

موجبات طلاق به درخواست زن به دو صورت است:

- ۱- مواردی که در قانون به صراحت و به گونه‌ای مشخص و خاص آمده:
 - هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت حاکم با رعایت تشریفات او را طلاق می دهد.
 - خودداری و ناتوانی شوهر از پرداخت نفقه.
 - در موردی که زن در دادگاه ثابت کند که ادامه زوجیت موجب عسر و حرج است می تواند برای جلوگیری از ضرر شوهر را مجبور به طلاق کند و در صورت میسر نشدن این امر با اجازه حاکم شرع طلاق صورت می گیرد.
- ۲- مواردی که به عنوان عسر و حرج محسوب می شود و جهت تشخیص آن رویه‌های قضایی و علم قاضی در تعیین آن نقش اساسی دارد.

مفهوم عسر و حرج:^۷

علتی که باعث شده زندگی زناشویی تلخ و دشوار شود باید هنگام طرح دادخواست طلاق موجود باشد در واقع دادگاه برای آینده زندگی زن و شوهر تصمیم می گیرد و تمایل در این است که زن را از قید و بندی که باعث حرج و ضرر شده است رها کند. در واقع عسر و حرجی که در زمان گذشته در زندگی وجود داشته باعث طلاق نمی شود. این توضیح شاید بهتر مفهوم را برساند که اگر برای دادگاه ثابت شود که رفتار نابهنجار شوهر اصلاح شده دیگر دادگاه حق ندارد شوهر را مجبور به طلاق زن بکند و هدف دفع ضرر و حرج در آینده است.

نکته دیگر اینکه در اثبات عسر و حرج با توجه به اینکه زن خود مدعی است پس باید ادعا را به دادگاه اثبات کند.

^۶ مشاوره قضایی تلفنی - شماره ۱۹۸ - ص ۲۱۶
^۷ - ۱۱۳۰ ق م

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی اینگونه مقرر می‌دارد:

« در صورتی که دوام زوجیت موجب عسرو حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسرو حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

تبصره: عسرو حرج موضوع این ماده عبارت است به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسرو حرج محسوب می‌گردد:

۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت ۶ ماه متوالی و یا ۹ ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه.

۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک، مجدداً به مصرف موارد مذکور روی آورد بنا به درخواست زوجه طلاق انجام خواهد شد.

۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر

۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.

۵- ابتلاء زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید.

موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسرو حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.»

با ملاحظه مصادیق عنوان شده در تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و نیز موارد مذکور در سند ازدواج، چنین بر می‌آید که تقریباً تمامی موارد احصاء شده در این ماده همان است که در سند ازدواج موجود است، فقط تغییرات اندکی باعث تفاوت بین آنها شده است چرا که امتیاز شروط ضمن عقد در آن است که مورد پذیرش زوج قرار می‌گیرد و به امضاء وی می‌رسد و در صورت تخلف زوج از آن شروط، وکیل و وکیل در توکیل می‌باشد که خود را مطلقه سازد لذا با مراجعه زن به دادگاه و اثبات تخلف شرط شوهر، دادگاه به عنوان وکیل او، بعد از احراز تخلف شرط می‌تواند وی را مطلقه سازد و دادگاه بعد از احراز حکم به طلاق نمی‌دهد، بلکه گواهی عدم امکان سازش را صادر می‌کند. ولی در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی هیچ معانی مشخصی، نسبت به تعیین حرج ندارد لذا در هر مورد با مراجعه زن به دادگاه علاوه بر اثبات حرج از ناحیه او، قاضی موظف است مصداق مطرح شده به عنوان حرج را مطابق موازین موجود در قاعده حسرو حرج بیابید تا بتواند حکم به حرج و در نتیجه طلاق زوج را صادر نماید.

در خصوص مفاد ماده فوق می‌توان به شروط و بندهای ۱۲ گانه عقدنامه هم اشاره کرد که در صورت بروز یکی از آن بندها زن با استناد به آن و اثبات موضوع و کالت در طلاق را داشته باشد.

فواید شرایط ضمن عقد یا عقد خارج لازم در قبالة ازدواج^۸

شرط اول

الف: ضمن (عقد نکاح/خارج لازم) زوج شرط نمود هر گاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءرفتار وی نباشد زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید.

جهت استفاده از بند مذکور باید چند شرط باشد:

۱- طلاق باید به درخواست مرد باشد.

۲- زن مطیع همسر خود باشد و سوء رفتار و اخلاق با همسر خود نداشته باشد.

۳- اموال مذکور مربوط به دارائی‌هایی باشد که پس از عقد ازدواج به دست آمده .

۴- آن اموال و دارائیه‌ها در هنگام درخواست زوجه موجود باشد.

شرط دوم

ب: ضمن (عقد نکاح / خارج لازم) زوج به زوجه و کالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد که در موارد ذیل با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز از دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق خود را مطلقه نماید. و نیز به زوجه و کالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول نماید.

۱- استنکاف شوهر از دادن نفقه به مدت شش ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به تأدیه نفقه و همچنین در موردی که اجبار شوهر هم ممکن نباشد.

توضیح: که باید عدم پرداخت نفقه و هزینه‌ها و سایر حقوق زن به مدت ۶ ماه باشد. و این عدم پرداخت نفقه همراه با تمکین زوجه باشد. در غیر این صورت چون زوجه ناشزه محسوب می‌شود، نمی‌تواند درخواست طلاق به علت عدم پرداخت نفقه نماید.

رای وحدت رویه - نظریه شماره ۷/۳۳۶ مورخ ۶۲/۸/۷:

درخواست طلاق به علت استنکاف زوج از پرداخت نفقه، از زن ناشزه قابل قبول نیست.

۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل نماید.

توضیح: بدرفتاری غیر قابل تحمل مرد با زن و فرزندان.

^۸ حقوق به زبان ساده (۱۰) در موضوعات خانواده، معاونت آموزش قوه قضاییه

- ۳- ابتلاء زوج به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره آمیز باشد.
توضیح: بیماری خطرناک و غیرقابل درمان مرد در حدی که سلامت زن را به خطر اندازد.
- ۴- جنون در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.
توضیح: دیوانه بودن مرد در زمانی که امکان فسخ نباشد.
- ۵- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.
توضیح: اشتغال مرد به کاری که حیثیت و آبروی زن و مصالح خانوادگی را خطر بیندازد.
- ۶- محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به ۵ سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به ۵ سال بازداشت یا بیشتر شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد.
توضیح: در زندان به سر بردن مرد به عنوان محکومیت در حال اجرا از پنج سال به بالا.
- ۷- ابتلاء زوج به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خللی وارد آورد و ادامه زندگی را برای زوجه دشوار باشد.
توضیح: اعتیادی که منجر به بیکاری مرد، و وارد نمودن ضرر به سلامت جسمی و روحی زن و فرزند گردد.
- ۸- زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی یا اینکه زوج شش ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت نماید.
توضیح: ترک بدون علت خانواده یا غیبت یکسره ۶ ماهه بدون دلیل موجه.
- ۹- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب به جرم و اجرای هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شوون زندگی زن باشد، تشخیص اینکه مجازات مغایر با حیثیت و شوون خانوادگی است با توجه به وضع و موقعیت زن و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.
توضیح: اجرای هر نوع مجازاتی که آبرو و موقعیت زن را به خطر بیندازد.
- ۱۰- در صورتی که پس از گذشت ۵ سال زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر، صاحب فرزند نشود.
توضیح: بچه دار نشدن مرد پس از ۵ سال.
- ۱۱- در صورتی که زوج مفقودالاثراثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.
توضیح: غیبت طولانی شوهر
- ۱۲- زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.
توضیح: ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسر

باشد رجوع محسوب می‌شود.^{۱۰} نکته دیگر اینکه شوهر در همان طول زمان عده طلاق حق رجوع دارد و پس از اتمام آن حق شوهر از بین می‌رود.

طلاق رجعی آثاری را در پی دارد از جمله :

در طلاق رجعی تا زمانیکه عده زن سپری نشده باشد رابطه ازدواج قطع نشده و در این حالت :

۱ - نفقه زن در دوران عده به عهده شوهر است و شوهر می‌تواند به آسانی به زن رجوع کند .

۲ - در صورتی که در دوران عده یکی از زن و یا شوهر فوت کند، طرف دیگر از او ارث می‌برد .

۳ - در دوران عده، زن حق ازدواج نداشته و هیچ مردی حق ندارد با او ازدواج کند .

۴ - در دوران عده مرد نمی‌تواند با خواهر زن خود ازدواج کند .

۵ - ازدواج مرد قبل از به پایان رسیدن عده احتیاج به اجازه دادگاه دارد .

نظریه شماره ۷/۸۱۴۱ مورخه ۷۳/۱۲/۲۴ دیوان عالی کشور:

در طلاق رجعی، زوج حق رجوع دارد و بدون حضور زوجه، نسبت به رجوع آن اقدام نماید.

۲- طلاق بائن: این طلاق که در بین مردم به طلاق خلع معروف است - در این طلاق در زمان عده برای شوهر

حق رجوع نیست^{۱۱}

در موارد ذیل طلاق بائن است :

۱- طلاقی که قبل از زناشوئی واقع گردد.

۲- طلاق زن یا نسه .

۳- طلاق خلع : طلاق زنی که به شوهرش دیگر علاقه‌ای ندارد و از او بیزار است و قصد طلاق دارد و

شوهرش مایل به طلاق دادن او نیست لذا مهر یا مالی دیگری از خود به او می‌بخشد که طلاقش را

بگیرد.^{۱۲}

* در این نوع طلاق تا زمانی که زن مهر یا مالی که به شوهر بخشیده، را مطالبه نکند همسرش نمی‌تواند به او

رجوع کند. در صورتی که پس از طلاق در زمان عده زوجه مالی را که به شوهر بخشیده بود مطالبه کند و به

اصطلاح رجوع به بذل نماید، طلاق بائن به طلاق رجعی تبدیل شده و زوج حق رجوع خواهد داشت چنانچه

زوج در زمان عده رجوع کرد مجدداً طلاق محقق شده و مالی که از طرف زوجه بخشیده شده به وی بازگردد.

* در این طلاق باید کراهت و بیزاری فقط از طرف زن باشد.

^{۱۰} مواد ۱۱۴۸ و ۱۱۴۹ ق م

^{۱۱} مواد ۱۱۴۴ و ۱۱۴۵ ق م

^{۱۲} ماده ۱۱۴۶ ق م

۴- طلاق مبارات: اگر کراهت و بیزاری از دو طرف یعنی زن و شوهر باشد به این نوع طلاق مبارات می‌گویند که در اینجا مالی که زن به شوهر می‌دهد نباید از مقدار مهر زیادتر باشد.^{۱۳}

۴- سه طلاق: (سومین طلاقی که بعد از ۳ وصلت پی در پی به وجود آید) که در این مورد هم برای شوهر حق رجوع نیست.

* نکته‌ای که مجدداً به آن اشاره می‌کنیم این است که اعطای حق طلاق به مرد بدان معنا نیست که زن هیچ‌گاه نمی‌تواند خود را از قید و بند زندگی مشترک رها سازد، بلکه می‌تواند به قاعده عسرو حرج ۱۱۳۰ ق م — شروط ضمن عقد ماده ۱۱۱۹ ق م^{۱۴} استناد نماید و پس از اثبات در محکمه حکم عدم امکان سازش صادر شود.

سوال

۷ در خصوص طلاق خلعی که زوجه مهر خویش را بذل به زوج کرده است و زوج در جلسه رسیدگی با وجود ابلاغ اخطاریه حاضر نشده و یا در صورت حضور، حاضر به قبول بذل و طلاق زوجه شده و داوران مرضی‌الطرفین نیز وجود کراهت و عدم استمرار رابطه زوجیت را تأیید کرده‌اند در خصوص قبول بذل و اجرای طلاق خلع تکلیف چیست؟^{۱۵}
نظر کمیسیون:

مطابق ماده ۱۱۴۶ ق م طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد. لازمه صدور حکم طلاق خلع قبول زوج است لذا صرف اظهار کراهت از ناحیه زوجه از موجبات قبول درخواست طلاق نمی‌تواند باشد مگر این که کراهت زوجه به واسطه عسرو حرج به وجود آمده باشد به نحوی که دوام زوجیت برای زوجین ممکن نباشد که در این صورت دادگاه طبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی پس از احراز عسرو حرج زوجه، زوج را اجبار به طلاق می‌کند که این نوع طلاق بائن بوده و برای زوج حق رجوع نیست در فرض این سوال با احراز عسرو حرج زوجه و بذل مهر از ناحیه او، قبول و بذل و اجرای صیغه طلاق توسط دادگاه از باب «الحاکم ولی الممتنع» بلا اشکال است.

سوال:

۷ زمانیکه زوجه به طرفیت زوج دعوای طلاق طرح می‌کند و زوج را مجهول‌المان اعلام می‌کند آیا دادگاه باید مقررات مربوط به غایب مفقودالاثر را در مورد طلاق زوجه و غیبت زوج رعایت کند؟ اساساً چه تفاوتی بین مجهول‌المان بودن و غایب مفقودالاثر وجود دارد؟^{۱۶}

^{۱۳} ماده ۱۱۴۷ ق م

^{۱۴} ماده ۱۱۱۹ ق م : طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هر گاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه می‌سازد.

^{۱۵} مجموعه نشستهای قضایی - شماره ۲۰۳ ص ۱۶۲

^{۱۶} مجموعه نشستهای قضایی - شماره ۲۰۳ ص ۱۶۰

نظر کمیسیون:

ممکن است در دو مورد زوج، خواننده دادخواست طلاق، از ناحیه زوجه قرار گیرد یکی در صورتی که یکی از شروط ضمن عقد به نفع او محقق شود که در این صورت دادگاه با احراز تخلف از شرط حکم طلاق صادر می‌کند مورد دوم صورتی است زوجه به عنوان عسر و حرج زوج مجهول‌المکان صادر می‌کند. در این مورد مجهول‌المکان از دو مورد فوق را جهت تقاضای طلاق اعلام می‌کند و صرفاً مدعی باشد شوهرش منزل را ترک کرده و از او اطلاعی ندارد. در این مورد مقررات مربوط به شخص غایب مفقودالامر اعمال و سپس حکم طلاق صادر می‌شود.

با توجه به اینکه طبق ماده ۵ قانون حمایت خانواده دادگاه مکلف است موضوع دعوی را به داور ارجاع نماید و نظر به اینکه در مواردی که خواننده مجهول‌المکان یا متواری باشد و اوراق اخطاریه از طریق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی در جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود آیا صدور قرار داور در مواردی که خواننده غایب است ضرورت دارد؟^{۱۷}

پاسخ: با توجه به ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق و آیین نامه اجرایی آن، در درخواست طلاق و یا گواهی عدم امکان سازش ارجاع امر به داور از تکالیف دادگاه است اعم از اینکه طرفین یا یکی از آنها حاضر باشند یا نباشند.

سوال

✓ آیا طلاق توافقی همان مبارات می‌باشد؟ به عبارت دیگر آیا در صورت توافقی حق رجوع برای زوج دارد؟^{۱۸}

پاسخ: در طلاق توافقی اصل بر این است که چون مرد طلاق می‌دهد و زن هم با آن موافقت دارد طلاق رجعی است مگر آن که بنا به تبصره ۳ ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (۱) در قالب بذل، طلاق بر صورت خلع و یا در چارچوب مقررات قانون مبنی بر عنوان مبارات واقع شود.

(۱) تبصره ۳ ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق

اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به پرداخت حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهریه، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده) و یا رضایت زوجه و یا (در صورتی که زوج ادعا نماید قادر به پرداخت حقوق زوجه به صورت نقد نیست باید دادخواست اعسار به دادگاه ارائه نماید) شرائط اقامه دعوی اعسار قید شود از جمله مدارک و... در صورتی که بتواند ادعای خود را ثابت نماید دادگاه با توجه به میزان توانایی زوج حقوق زوجه را تعقیب می‌کند در این موارد پرداخت مهریه های سنگین ممکن است چند ده سال به طول انجامد به طور مثال چنانچه مهریه خانمی ۱۰۰۰

^{۱۷} مشاوره قضایی تلفنی - شماره ۱۹۸ - ص ۲۰۱

^{۱۸} مجموعه نشستهای قضایی - جلد ۵ - ص ۳۵۴

سکه بهار آزادی و اقساطی که تعیین می شود هر دو ماه یک سکه باشد به این معنی است که زوج در هر سال ۶ سکه پرداخت می کند و تقریباً ۱۶۶ سال طول خواهد کشید تا کلیه مهریه پرداخت شود ولیکن تا این جا صورت مساله است چرا که وقتی رای جهت اجرا به اجرای احکام برده می شود در صورتی که اجرائیه را به زوج ابلاغ نماید اگر وی هر ماه سکه ها به دفتر شعبه تحویل داد که هیچ و گرنه هر چند ماه که سکه ها را نداد زوج باید شکایت کند و در نهایت درخواست اعمال ماده ۲ محکومیت های مالی می کند که زوج را زندانی نمایند.

سوال

۷ چنانچه زوج در دادگاه رسیدگی به طلاق توافقی، مدعی بکارت شود آیا ارجاع او به پزشکی قانونی جهت احراز ادعا ضروری باشد؟

پاسخ: با توجه به توافق طرفین و به ویژه اینکه زوج به نفع شوهر و علیه خود اقرار میکنند پس نیازی به معرفی زوج به پزشکی قانونی نیست.

سوال

۷ در صدور گواهی عدم امکان سازش جهت طلاق در صورتی که اعلام کنند زن باردار نیست. آیا اخذ نظریه پزشکی قانونی در این باره ضروری است یا نه؟^{۱۹}

پاسخ:

اخذ نظریه پزشکی قانونی مبنی بر عدم بارداری زن ضروری است زیرا مطابق تبصره ۷ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، اخذ گواهی پزشکی قانونی در خصوص تست بارداری ضروری و تکلیف است از این رو صرف اعلام طرفین دعوا یا زن در مورد عدم بارداری کفایت نمی کند و دادگاه باید نسبت به اخذ گواهی مزبور اقدام نماید و سپس نسبت به صدور گواهی عدم امکان سازش تصمیم بگیرد.

محل مراجعه:

دادگاه های خانواده مستقر در شهرستان و استان .

نکته :

خواهان باید در مکانی که خواننده سکونت دارد دادخواست خود را مطرح کند برای مثال اگر مردی که ساکن تهران است بخواهد همسرش را طلاق دهد و همسرش ساکن قم باشد، مرد باید به دادگاه خانواده قم مراجعه و دادخواست خود را ارائه نماید.

دلایل و منضمات و مدارک مورد نیاز برای طرح دعوی:

برخی از مدارک از جمله فتوکی شناسنامه، کارت ملی، عقدنامه زوجین جهت هرگونه طرح دعوی اعم طلاق و حضانت و ... الزامی است ولی بعضی مدارک مختص همان دعوا جهت اثبات ادعا مورد نیاز است . برای مثال

^{۱۹} - ماخذ فوق

اگر زنی دادخواست طلاق خود را با ادعای این که همسرش معتاد است ارائه می کند باید اعتیاد همسرش را به دادگاه ثابت کند ، برای مثال اگر شهودی دارد که دیده اند که شوهرش مواد استعمال می کند را به دادگاه معرفی کند که قاضی مربوطه آنها را احضار نماید و بررسی های لازم را انجام دهد.

هزینه دادرسی:

درخواست طلاق جزء دعاوی و امور غیر مالی محسوب می شود. لذا هزینه دریافتی ، هزینه ورود دادخواست ۱۰۰ تومان، هزینه دادرسی ۵ هزار تومان می باشد.

نمونه دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش

محل اقامت شهر- خیابان- کوچه - شماره - پلاک	شغل	نام پدر	نام خانوادگی	نام	مشخصات طرفین
					خواهان
					خوانده
					وکیل یا نماینده قانونی
					تعیین خواسته و بهای آن
					دلایل و منضمات دادخواست
ریاست محترم دادگاه عمومی...					
محل امضا- مهر- انگشت					
دادگاه عمومی.....رسیدگی فرماید			شعبه		شماره و تاریخ ثبت دادخواست
نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده			نام و نام خانوادگی		شماره
امضاء			تاریخ / /		تاریخ

نمونه رای :

خواهان: خانم اکرم به نشانی قم

خوانده: آقای مصطفی به نشانی قم

خواسته: صدور گواهی عدم امکان سازش جهت اجرای صیغه طلاق

رأی دادگاه

در خصوص دادخواست خانم اکرم فرزند عباس بطرفیت آقای مصطفی فرزند غلامعلی به خواسته طلاق و اذن اعمال وکالت شروط ضمن عقد بند ۱، ۲، ۷ با عنایت به محتویات پرونده و تصویر مصدق سند ازدواج و شناسنامه و امضا شروط ضمن عقد توسط زوج رابطه زوجیت و مواقعه محرز و با توجه به نظریه داوران منتخب و تحقیقات محل و شهادت شهود و نتیجه استعلامات واصله و اینکه خوانده در اولین جلسه دادگاه دفاع مؤثری ننموده و به آزمایشگاه تشخیص اعتیاد معرفی شده که حاضر به رفتن نشده و به پرداخت نفقه معوقه محکوم شده اقدام نکرده و اینکه خواهان با بذل مبلغ هزار تومان اصرار بر طلاق داشته و سایر قرائن و امارات موجود، دادگاه تحقق شروط ضمن عقد موضوع بند ۱ و ۲ و ۷ را محرز و مسلم دانسته و خواسته خواهان را وارد تشخیص داده و مستندا به مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۱۹۴ ق آ د م و مواد ۱۱۱۹ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ و ۲۳۴ و ۲۳۷ قانون مدنی و ماده ۹ ق حمایت خانواده و ماده ۴ ازدواج و ماده واحده قانون اصلاح مقررات طلاق و آئین نامه آن ضمن صدور گواهی عدم امکان سازش به خواهان اجازه اعمال وکالت اعطایی شروط ضمن عقد جهت ایقاع طلاق داده تا خواهان پس از قطعیت حکم به یکی از دفاتر رسمی طلاق مراجعه و با ارائه گواهی عدم بارداری خود را با توجه به بذل جزیی از آن به شرح ذیل به طلاق خلع و بائن نوبت اول مطلقه نماید و دفاتر طلاق را اصالتا از طرف خود و کالتا از طرف شوهرش امضا نماید مدت اعتبار این گواهی سه ماه پس از ابلاغ حکم قطعی است و رعایت وجود شرایط صحت اجرای صیغه طلاق از جمله مفاد مواد ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ و ۱۱۳۸ و ۱۱۴۱ و ۱۱۴۰ قانون مدنی به عهده مجری صیغه طلاق خواهد بود. زوجه در مورد سایر حق و حقوقش اظهار داشته فعلا ادعائی ندارم و بعدا مطالبه خواهم نمود زوجه دارای دو فرزند مشترک که خارج از سن حضانت می باشند حکم صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان مقدس قم می باشد.

دادرس شعبه ۲۳ محاکم عمومی حقوقی قم

رونوشت برابر با اصل و اداریست و جهت هرگونه ابلاغ به

تهیه و ارسال می گردد .

مدیر دفتر شعبه محاکم عمومی حقوقی قم

نام محقق: خانم فاطمه محبی